

علل شکل‌گیری جریان خوارج

۱- زهرا دستاک، زهره کیانی نژاد^۲

۱- کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

۲- کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

چکیده:

در تاریخ اسلام ما شاهد تغییر و تحولات بسیاری هستیم و در این میان مسئله خوارج که در تاریخ اسلام در مورد آنها زیاد بحث و تفصیل شده است جای تحقیق و تفحص بیشتری دارد. خوارج افرادی بودند در طول تاریخ سیاسی و نظامی بسیار باعث فتنه و فساد شدند و شورش‌های مکرری را به دنبال خود به راه انداختند و می‌بینیم که سوء قصد به معاویه و عمروعاص و شهادت حضرت علی (ع) نیز به دست این گروه می‌انجامد، خوارجی که در شعارهای خود به شعار «لا حکم الا الله» تاکید می‌کردند و فقط به نوع تفکر خارج شده خود از دین اهمیت می‌دادند و زیر لوای این شعار تمام مقاصد خود را انجام می‌دادند. خوارجی که جایگاه و پایگاهی میان صحابه نداشتند و چنانکه در گذر تاریخ می‌بینیم و شاهد هستیم باید پایگاه اجتماعی آنان را میان تابعین جست. در این پژوهش تلاش نگارنده بر آن است تا با استفاده از منابع تاریخی دست اول و مکتوب به علل شکل‌گیری جریان خوارج پردازد.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، خوارج، اسلام، سیاست، حکومت، شعار، اعراب

مقدمه

مسئله پذیرش اسلام از همان ابتدا با جریانها و مخالفتی همراه بود که با دسیسه و کارشکنی آنان باعث آزار و اذیت مسلمانان می‌شدند و در این میان ما شاهد خروج عده‌ای هستیم از قبایل مختلف که به عنوان خوارج در طول تاریخ از آنها یاد می‌شود. ابتدا به آنان حروه می‌گفتند چون بعد از جنگ صفین، آنان در محلی به نام حرورا که محلی نزدیک کوفه است، اجتماع کردند، به خوارج مارقین نیز می‌گفتند. پیامبر(ص)

فتنه خوارج را پیش‌بینی کرده بود. آنجا که فرمودند: «یمرقون من الدین کما یمرق السهم عن الرمیة: گروهی از امت من، از دین خارج شوند، چنانکه تیر از کمان خارج شود». برخی نظرها حاکی از آن است که پیدایش خوارج مربوط به جنگ صفین و مسئله حکمیت است و برخی دیگر معتقدند که پیدایش آنان به قبل از این دوره بر می‌گردد. برای روشن شدن این مسئله باید ریشه خوارج را در علل شکل‌گیری جریان آنها بررسی کرد. در این تحقیق نگارنده بر آن است که به بررسی علل پیدایش و شکل‌گیری جریان خوارج پرداخته و علت جدایی آنها از دین را در تاریخ اسلام مورد بررسی قرار دهد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود: آیا دلیل خاص باعث خروج آنها از دین شده است. فرضیه مطرح در این پژوهش می‌گوید که خروج، خوارج را می‌توان در نوع زندگی و مسایل روبروی آنها در اعصار زندگی جست و باید توجه داشت که دین مبین اسلام همیشه در کشاکش با مخالفانی بوده است که خوارج هم گروهی از این مخالفان بوده اند. نگارنده تلاش کرده است با استفاده از منابع مأخذ ارزنده به واکاوی موضوع مورد نظر پردازد.

زمینه‌های زندگی قبیله‌ای و نوع معیشت:

در مورد خاستگاه قبیله‌ای خوارج از صفین تا پایان حاکمیت اموی، حضور قبایل بنی‌تمیم و بنی‌ربیع با زیر شاخه‌های بزرگی چون بنی‌اسد، بنی‌بکر، بنی‌شیبان و بنی‌حنیفه را نشان می‌دهد. محدوده زندگی این قبایل، شمال شرق شبه جزیره عربی از یمامه تا عراق بود. مدت‌ها قبل از ظهور اسلام، قبایل به دلایلی، چون افزایش جمعیت، قحطی و گرسنگی، کمبود منابع و

حوادث طبیعی و جنگ، ناخواسته موطن اولیه خویش یعنی منطقه داخلی شبه جزیره (تمامه) را ترک کرده و به نواحی شمالی مهاجرت کردند. (ابن اثیر؛ بی تا، ص ۳۴۰)

تنگی معیشت، مهاجران را به مناطق بیلاقی چون شام، عراق و بحرین هدایت کرد. گروه اخیر اتحادیه قبیله‌ای تنوخ را بر اساس تعهد قبایل به یاری همدیگر در مسائل و مشکلات ایجاد کردند. (طبری؛ ۱۹۶۷، ص ۶۱۰-۶۰۹)

نوع معیشت قبایل تمیم و ربیع و سایر اعراب ساکن در شبه جزیره، کوچ‌نشینی و رمه‌گردانی بود. زندگی بدوی چنان در وجود آنان ریشه دوانده بود که حتی سرزمین‌های خوش آب و هوای جنوب بین‌النهرین که جایگاه مناسبی برای یک جانشین بود جذبشان نکرد. این گروه با ورود به بین‌النهرین، مناطقی بین انبار و حیره را برای زندگی انتخاب کردند و به معیشت بدوی خود در خیمه‌ها ادامه دادند. آنان چون این شیوه زندگی را تغییر ندادند و از هم‌نشینی با شورشیان سرباز زدند «اعراب بیرونی» معروف گشتند. (طبری؛ ۱۹۶۷، ص ۶۱۲) تأثیر روحیه بدوی و شرایط زیست-محیطی شبه جزیره باعث پیوستن قبایل به اتحادیه می‌گردید. که از دو جهت حائز اهمیت بود: یکی، گروه‌های معارض که رو در روی این شکل‌ها قرار می‌گرفتند و دیگری نامنسجم، غیرقابل اعتماد بودن شکنندگی تعهدات اخلاقی افرادی بود که این تشکل‌ها را به وجود می‌آوردند. اعراب اتحادیه‌ها یا تشکل‌های قبیله‌ای که بر اساس نیاز به منابع مادی چون آب، علف، دفاع از جان و ناموس به وجود می‌آمدند را نیز در شرایط خاص زیر پا می‌گذاشتند. سرکشی آنان طوری بود که در برابر هرگونه قیدی که آزادی و لجام گسیختگی‌شان را محدود می‌کرد به شدت مقاومت می‌کردند. (جوادی؛ ۱۳۶۷، ص ۲۰۷)

تأثیر محدودیت‌های ناشی از پذیرش اسلام در بروز پدیده خروج خوارج :

توجه به ساختار اجتماعی و ویژگی‌های روحی-روانی اعراب، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا گروه‌های مورد نظر شرایط لازم را برای پذیرش اسلام داشتند که تحولات عمده و بنیان براندازی برایشان رقم زد؛ این دگرگونی‌ها از یک سو با واژه بیگانه «حرمت» برخی از اعمال و افعالی که سالها فرهنگ غالب اعراب را تشکیل می‌دادند مورد هجوم قرار می‌داد و از دیگر سو سروی اعراب را زیر سوال می‌برد. (ابن سعد؛ ۱۹۹۰، ص ۲۲۳) مسلمان شدن

اعراب در واقع تسلیم شدن و تن دادن آنان به شرایط جدید سخت بود. نه ایمان آوردن از روی رضایت قلبی دیدگاه اعراب به اسلام بر خلاف پیام این دین، غلبه یافتن قریش بر سایر اعراب تلقی می‌شد که باعث نارضایتی و شکایت آنان در دوره‌های متوالی می‌شد. از این رو تسلیم شدن در برابر این شوک عجیب تا رحلت پیامبر بیشتر دوام نیاورد و از زمان رحلت آن حضرت افرادی را تحت عنوان مدعیان نبوت به رقابت با حاکمیت مرکزی واداشت. جنگ‌های رده تلاش برای اعاده اوضاع خوب از دست رفته بود. تلاش حاکمیت اسلام با مرکزیت مدینه و فرمانروایی قریش به معنی به بند کردن آنان(اعراب)بود. محدودیت‌های پرداخت کات، رعایت حقوق دیگران، حرام شمردن زنا و... از جمله نارضایتی بعضی از اعراب بدوی بود. اعمالی که اعراب رنج و سختی زندگی بیابانگردی خویش را با ارتکاب به آنها بر خود هموار می‌کرد. برای اعراب غیرقابل تحمل بود که روزانه پنج را در برابر خدایی کرنش و تعظیم کنند که او را نمی‌بینند (ابن اثیر؛ بی تا، ص ۳۴۵)

نقش فتوحات خارجی:

نارضایتی بخشی از اعراب از اسلام و پذیرش آن علاوه بر جنگ و نزاع‌هایی که در داخل و بین خود اعراب بوجود آورد. بلکه به خارج از مرزها نیز کشیده شد. که از دو جهت قابل تامل است: ۱- توجه اعراب را از مسئله خلافت و برتری قریش بر سایر قبایل منحرف می‌کرد. ۲- زمینه ارضای روحیه جنگ‌طلبی و غنیمت‌خواهی که در تار و پود فرهنگ و سنن جامعه قبل از اسلام بود را فراهم می‌کرد. (ابن خلدون؛ ۱۳۶۳، ص ۹۷۱) پاسخ مثبت ابوبکر به درخواست مثنی بن حارثه شیبانی که برای مشروعیت بخشیدن به جملات خود به مرزهای سواد، اسلام آورد در پس این مهم بود. (بلاذری، ۱۹۹۶، ص ۳۳۷) نارضایتی و اعتراض اعراب این مناطق در ابتدای امر، زمانی آشکار شد که ابوبکر طی نامه‌ای از مثنی بن حارثه شیبانی خواست تا با خالد بن ولید همکاری کند برای مثنی ورود خالد به عراق خوشایند نبود چون قسمت عمده‌ای از سرزمین عراق از مدت‌ها پیش از یتول و ملک خانوادگی آنان محسوب می‌شد. (دینوری؛ ۱۹۶۰، ص ۱۱۲-۱۱۱) این امر در دراز مدت باعث خروج قبایل بومی در برابر حاکمیت

مرکزی در درجه اول و اعتراض به تسلط اعراب قحطانی در درجه دوم بود. (طبری؛ ۱۹۶۷، ص ۵۱۳)

گسترش فتوحات، غنایم سرشاری را در ناحیه عراق نصیب کرد. فراوانی اموالی منقولی چون زر، سیم و احشام آنان را تا حد سرمستی پیش برد. که باعث تجمع ثروت در دست عده‌ای شد (بغدادی؛ ۱۳۴۴، ص ۲۷-۲۵). تجمع ثروت باعث شد که قدرت فراوانی نیز این اعراب بدست آورده که به غارت نواحی اطراف پردازند. (طبری؛ ۱۹۶۷، ص ۴۷۵) عمر با تأسیس دو شهر بصره و کوفه سعی کرد که یکپارچگی اعراب را حفظ کند و تا حدودی جلوی طغیان آنان را بگیرد. (ابن‌خیاط؛ ۱۹۹۵، ص ۷۶) عمر به نوبه خود نیز با این کار شهرها را به پایگاه‌های نظامی نیز تبدیل کرد که خود باعث شورش در دراز مدت می‌شد. (یعقوبی؛ ۱۳۷۱، ص ۸۰-۷۹) و در این میان نقش فرماندهان شهر را در ایجاد شورش نمی‌توان نادیده گرفت. (ابن‌سعد؛ ۱۹۹۰، ص ۲۲۲) در واقع نوع اسلام آوردن بعضی از اعراب و سران و عوام به تأیید قرآن تسلیم شدن از روی اضطرار بود نه ایمان قلبی، بنابراین هدف عمر در تأکید بر توجه قرآن این بود که قرآن در بیان مطالب جنبه عام داشت و در تفسیر نیز انعطاف‌پذیری خاصی داشت که اعراب می‌توانستند آن را با خلق و خوی خود وفق داده و هرگونه که طبع آنان قبول می‌کرد تفسیر کند. نمونه آن را در شعار «لا حکم الا الله» خوارج می‌توان دید که اعراب را در برابر حاکمیت مرکزی نشان می‌دهد و سرانجام باعث سرکشی گروهی در دوران امام علی (ع) شد که خوارج نام دارند. (ابن‌مزامح؛ ۱۳۸۲، ص ۵۱۸-۵۱۷)

در دوران عثمان خلیفه سوم که به دلیل داشتن سه خصلت توجه به دنیا، آسان‌گیری بر نزدیکان و سخت‌گیری بر ساکنان شهرهای پادگانی، نتوانست اکثریت اعراب را با سیاست خود همسو کند. (مسعودی؛ ۱۴۰۹، ص ۳۴۳-۳۴۲)

خیزش اعراب به خصوص ساکنان بومی حاشیه سواد که به قتل خلیفه سوم و فتح باب خلیفه‌کش از سوی اعراب منجر شد، موج همه‌گیری بود که قریشیان ناراضی از سیادت عثمان را نیز با خود همراه کرد. آنان با انتخاب علی (ع) به خلافت در واقع دو شیوه‌ی انتخاب خلیفه و انتخاب از سوی شورای شیوخ قریش را مردود اعلام کرد و باب جدیدی چون اجماع امت در زمینه فقهت گشودند. حضور فعال ساکنان شهرهای پادگانی در قتل عثمان علی (ع) زمینه

مناسبی را برای توجیه عمل خروج و بیعت شکنی سران قریش در مقابل علی فراهم کرد. نتیجه این فتنه‌ها که از قتل عثمان تا ماجرای حکمیت را در بر گرفت موجب سربر آوردن رسمی گروهی گردید که سی سال به دلایلی چون سرگرمی در فتوحات با ترس از حاکمیت مرکزی چون تافته‌های ناهمجنس در کنار هم رشته شده بودند و به انبار باروتی می‌مانستند که منتظر جرقه‌ای برای انفجار بودند. (دینوری؛ ۱۴۱۰، ص ۱۴۳)

جنگ‌های جمل و صفین:

جنگ جمل اولین درگیری رسمی مسلمانان بعد از رحلت پیامبر(ص) است از جهات مختلف حائز اهمیت است. خروج از افیت قریش، چون طلحه و زبیر با هدف استفاده ابزاری از عایشه در جلب حمایت مردم بر ضد علی(ع) آغاز شد و مسئله بعدی هم کاوش در این شرایط به شناخت دو گروه مغبون می‌انجامد. این دو گروه در رقابت‌های سیاسی قریشیان از یک سو و انفعال سران سایر قبایل از سوی دیگر می‌نمایند. از دسته نخست سعد بن ابی وقاص است که چون علی(ع) او را به همراهی فراخواند گفت: ((شمشیری به من بده که کافر را از مسلمان تشخیص دهد تا با آن شمشیر در رکاب تو جنگ کنم. (دینوری؛ ۱۴۱۰، ص ۱۴۳) و دوم سخنرانی ابوموسی اشعری در مسجد کوفه مبنی بر عدم یاری علی(ع) در جنگ جمل برای دامن زدن فقها به ایجاد شک و تردید که باعث تفرقه بین مسلمانان شد. (بلاذری؛ ۱۹۹۶، ص ۲۰۱) وی می‌گفت که من به فتنه‌ها آگاه ترم، چرا که فتنه چون روی آورد با شک و تردید است و چون می‌گذرد حقیقت آن آشکار می‌شود. (شیخ مفید؛ ۱۳۸۳، ص ۱۵۲-۱۵۲) تأثیر عمیق این سخنان که برگرفته از سنت‌های صرف عربی بوده به پرورش تفکر بیهوده بودن دخالت اعراب در ماجرای خانوادگی قریش دامن زد. (ابن مخفف؛ ۱۹۹۹، ص ۲۰۴-۲۰۳)

علی(ع) با توجه به تأثیر افکار منفعلانه‌ای که شک و تردید را در میان مردم ترویج داده بود، برای زدودن این مشکل روانی در افراد به آنان اطمینان داد که در راه خدا تردید به دل راه ندهید. (ابن مخفف؛ ۱۹۹۶، ص ۱۲۲-۱۲۱)

اولین جنگ داخلی ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشت. هر کدام از این ابعاد در تسریع بخشیدن به پدیده خروج اعراب در مقابله با حاکمیت مرکزی بی‌تأثیر نبود. (ابن مزاحم؛ ۱۳۸۲، ص ۲۲۹-۲۲۷)

حرکت علی(ع) به سوی شام فصل جدیدی در تقویت پدیده خروج داشت. او ناگزیر برای جنگ با معاویه اعلام آماده باش داد. ماجرای حکمیت در صفین به خیزش سه اندیشه خارجی‌گری متفاوت منجر شد. نازلترین آنها تحریک عوام دنباله‌رو نوع تکامل یافته‌تر آن قاریان ساده‌اندیش و قشری‌نگر و نوع پیشرفته این اندیشه‌ها، اشرافیت سیاستمدار، منفعت‌طلب و مغبون دار. شیوه‌ی تساوی‌گرایانه خلافت علی بودند. دو دسته اول در پیدایش شرایط دلخواه نوع سوم، خواسته یا ناخواسته نقش فعالی داشتند. جنگ صفین که با پایداری عراقیان در آستانه پیروزی قرار گرفت. با بروز شکاف در میان قبایل سران و قاریان اشتر را به اندازه دویدن یک اسب مهلت ندادند تا سرنوشت آن را معلوم کند. آنان علی را مجبور کردند که دستور متارکه جنگ را اعلام کند. (طبری؛ ۱۹۶۷، ص ۴۹). چون علی(ع) در مورد نیرنگ قریشیان شام از برافراشتن مصاحف سعی می‌کرد عراقیان را آگاه کند، بیست هزار مسلح آهن پوش که شمشیرهایشان را بر شانه افکنده بودند و پیشانی‌هایشان از اثر سجد پینه بسته بود، در حالی که پیشاپیش آنان محربن فدکی و زیدبن حصین و گروهی از قاریان ساده‌اندیش که از آن پس به خوارج نامیده شدند. علی را به نام نه به عنوان امیر مومنان آواز دادند که ای علی(ع) تو را به کتاب خدا خوانده‌اند، بدان قوم جواب مثبت بده و گرنه همانطور که عثمان را کشتیم تو را خواهیم کشت. (ابن مزاحم؛ ۱۳۸۳، ص ۴۹۰-۴۸۸)

نقش ایدئولوژی:

علاوه بر مسائل فرهنگی-سیاسی ریشه دار، استفاده نادرست از ایدئولوژی رسمی، آشنایی سطحی و ظاهری از آیه‌های قرآن و تاویل و تفسیر به رأی آن، حربه‌ای در دست سران و بزرگان زاهد منش و فرقه‌پوش این گروه در سلک قراء در صفین بود. این گروه از آغاز اعلام آماده باش تا مشخص شدن تکلیف حکمیت، به خاطر برداشت‌های سطحی از قرآن و تندخویی و زودخشمی خود چندین بار تغییر موضع دادند. (ابن مزاحم؛ ۱۳۸۲، ص ۹۹)

شعار «لا حکم الا الله» بهانه‌ای برای پرخش سریع قبایل بنی تمیم و شاخه‌ای های بنی بکر، بنی شیبان و تیره‌های دیگر از ربیع و تمیم، در لوای دین و قرآن در اعتراض به قدرت قریش و مقابله با ترفیع روزافزون یمنیان در کوفه و عراق در دو دهه‌ی اخیر بود. تحت فشار قرار دادن علی(ع) برای پذیرش حکمیت و عدول از آن نشان از خوی بدوی، تعصبات قبیله‌ای سرزمین، سطحی‌نگری و عدم دوراندیشی این دسته از قبایل بود. گستاخی آنان در اعتراف به گناه و توبه خویش و کافر دانستن علی و یارانش به دلیل عدم توبه با اجتهاد خویش، به جدایی رسمی اولین شقاق فکری-علمی در اسلام انجامید. (ابن اعثم کوفی؛ ۱۴۱۱، ص ۵۱۶)

خوارج در تفسیر خود از جهاد، دو هدف را دنبال می‌کردند. مباح بودن جان و مال مخالفان در صورت پیروزی و در صورت شکست رسیدن به بهشت و رضوان الهی (دینوری؛ ۱۴۱۰، ص ۲۰۳) تربیت دینی این افراد که اساس آن افراط در قرآن و تفریط در احادیث نبوی بود، ریشه در سیاست عمر داشت. با توجه به ویژگی‌های خاصی که تاکنون از خوارج به دست دادیم شاید بتوان به راحتی آنان را در ردیف شورشیان مرتجعی قرار داد که از ابزار دین برای بازگشت به سنن گذشته بهره برده بودند. و از احیای روح قانون‌گریزی از مرکز دوران قبل از اسلام به بهترین نحو استفاده کردند. و ایدئولوژی را تدوین نمودند که توجیه‌کننده اعمال بدوی آنان می‌باشد. (ابن ابی‌الحدید؛ ۱۳۶۷، ص ۳۹۵-۳۹۴)

هسته اصلی خوارج کوفی-بصری بر عقاید خود مبنی بر اقرار به کفر و شرک علی(ع) و همراهان او پافشاری کرده و توبه آنان را شرط همکاری خود با علی(ع) قرار دادند. (ابن عبدربه؛ ۱۹۹۸، ص ۳۴۵-۳۴۳)

در کل مخالفت‌ها و اعتراضاتی که آشکار گردید تنها در برابر عثمان نبود بلکه بر ضد هر حاکمی بود که در راه حق گام بر ندارد از این رو آنان همین دعاوی را پس از قتل عثمان بر ضد علی(ع) به کار گرفتند و بدین سان از شیعه کناره گرفتند و خارجی شدند. (ولهاوزن؛ ۱۹۶۷، ص ۳۹)

نتیجه‌گیری:

با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص می‌شود که در خصوص جریان خوارج از آغاز تا پایان حکومت عباسیان را نمی‌توان به مقطع زمانی، یا واقعه تاریخی خاص منتسب داشت بلکه

برخلاف اظهار نظر سیاسی که جنگ صفین و وقایع پس از آن را به عنوان نقطه شروع این انشعاب در جهان اسلام بیان می‌کنند باید عنوان نمود که عوامل متعددی بسیار بیشتر از این جنگ دست به دست هم دادند که باعث شکل‌گیری جریان خوارج شدند. بررسی‌های انجام شده در مورد خاستگاه قبیله ای خوارج نشان می‌دهد که دو قبیله بنی تمیم و بنی ربیع با زیر شاخه‌های گوناگون خود در این جریان حضور پررنگ‌تری از دیگر قبایل عرب داشته‌اند که محل سکونت آنها شمال شبه جزیره عربی از یمامه تا عراق بوده است که مدت‌ها قبل از ظهور اسلام به دلیل شرایط سخت زندگی از جمله حوادث طبیعی، جنگها و کمبود منابع طبیعی به نواحی شمال شبه جزیره مهاجرت نمودند و از دیگر عوامل که باعث پیدایش جریان خوارج شد را می‌توان به تأثیر پذیرش اسلام اشاره کرد که آنها را از خیلی از کارهای بد منع کرد و جنگهای صفین و جمل نام برد به عنوان دیگر دلایل و هم به نوع تفکر این عده اشاره کرد و فتوحات خارجی، و عواملی که در بعد سیاسی و نظامی و اجتماعی که خود نیز به نوبه‌ی خود باعث بروز جریان خوارج شدند.

منابع:

- ۱- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ۱۳۶۷، تهران، نشر نی
- ۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بی‌تا، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ۳- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ۱۳۶۴ ش، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- ۴- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بی‌تا، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ۵- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، الفتوح، ۱۴۱۱ق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضوی، چاپ اول
- ۶- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ العبر، ۱۳۶۳، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات مطالعات فرهنگی
- ۷- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ العبر، ۱۳۶۳، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات مطالعات فرهنگی
- ۸- ابن خیاط، خلیفه، تاریخ خلیفه، ۱۹۹۵م، تحقیق مصطفی نجیب فواز و حکمت کشلی، بیروت، دارالکتب العلمیه

- ۹- ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۱۹۹۰م، تحقیق عبدالقادر، بیروت، دارالکتب الاسلامیه
- ۱۰- ابن عبدربه، عقد الفرید، ۱۹۸۸م، تحقیق احمد امین، بیروت، دارالاندلس
- ۱۱- ابن مخفف، تاریخ ابی مخفف، ۱۹۹۹م، تحقیق سلمان الجبوری، بیروت، دارالمهجه البيضاء
- ۱۲- بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ۱۳۴۴، بیروت، دارالفکر
- ۱۳- بلاذری، احمد بن جبار، فتوح البلدان، ۱۹۹۶م، بیروت، بی نا
- ۱۴- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، تحقیق سهیل زرکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت، دارالفکر
- ۱۵- جواد، علی، تاریخ عرب قبل از اسلام، ۱۳۶۷، ترجمه حسین روحانی، بابل، کتابسرای بابل
- ۱۶- دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطول، ۱۹۶۰، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه
- ۱۷- دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسته: تاریخ الخلفاء، ۱۴۱۰ق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء
- ۱۸- شیخ مفید، جمل، ۱۳۸۳، ترجمه محمود مهدوی، تهران، نشر نی
- ۱۹- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۱۹۶۷م، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث
- ۲۰- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ۱۴۰۹ق، قم، دارالهجره
- ۲۱- منقری، ابن مزاحم، وقعه صفین، ۱۳۸۲ق، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، قاهره، مؤسسه العربیه الحدیثه
- ۲۲- ولهاوزن، ژولیوس، الخوارج و الشیعه، ۱۹۶۷م، ترجمه عبدالرحمان بدوی، کویت
- ۲۳- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ۱۳۷۱، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی